

کرد و نسبتاً همه انواع کتب را در بر گرفت. هنر خوش‌نویسی اوجی مقدس پیدا کرد و بوسیله آن مفاهیم و موضوعات عالی و اندیشمندانه برشته تحریر درآمد. علاوه بر آن هنرمند خوشنویس و مذهبین کتاب و مصوران و مجلدان در نزد عموم اهمیتی والا پیدا کردند بطوریکه خوشنویسی معیار دانائی و روشنفکری در بین جامعه شد و کسیکه خطش خوش و زیبا و هنرمندانه بود احترام خاصی پیدا کرد و حتی سبب شد که قطعه‌های خوشنویسی بصورت اثری مجرد و هنرمندانه بقباب درآید.

و اطراف خطوط تذهیب و طلااندازی شود، روی بهترین کاغذها خوشنویسی شود، حواشی و جداول تزئینی بر آن اضافه شود و بر دیوار منازل و اماکن زینت بخش محافل و مجامع گردد.

هنر خوشنویسی آنچنان مقامی را دارا شد که حتی خلفا و حکام و سلاطین سعی در خوشنویسی کردند؛ تا در این زمینه بمقام هنرمندی دست یابند؛ بدین ترتیب باید گفت که عنوان حکومتی نسبت بخوشنویسی مقامی عقب‌تر رفت. در دستگاه هر حاکمی عده زیادی خوشنویس و مصور و مذهب به کار کتابت و تزئین آن میپرداختند و همین امر سبب گسترش فرهنگ و علوم گردیده صنعت کاغذسازی اوج گرفت. مرکب‌سازی رواج یافت. حرفه‌های وراقی - صحافی - قطاعی، جلدسازی و دیگر شکل‌های مربوط به کتاب بوجود آمد.

مهمترین آن انواع روی جلدسازی است که خود بعداً تبدیل به هنری یگانه و مستقل گردید و گوناگونی‌های هنرمندانه‌ای پیدا کرده اما بعدها

کم‌کم چاپخانه در ایران احداث گشت و همه این تجربیات گرانبها با فن چاپ آمیخته شد و مجموعه کتب چاپ سنگی را بوجود آورد. بهمین جهت هم هست که همه فنون تزئینات این گونه کتب زیر نفوذ و دنباله‌روی هنرهائی است که ابتدا در کتب خطی و دستنویس وجود داشته است و تمام صنایع و فنون کار و تزئین کتاب یکسره در کار چاپ سنگی بیان میشود منتهی آرایش کتابهای خطی بدلیل اصل بودن مستقیماً بوسیله هنرمندان پرداخته میشود و رنگامیزی میگردد. اما در چاپ سنگی بعلت امکانات محدود چاپ و تکنیک آن صرفاً کار با رنگ و مرکب سیاه چاپ عملی میگردد، اما بقیه خصوصیات هم چنان حفظ میگردد، مثلاً ساختن انواع تذهیب، تشعیر، نشان، شمشه، طرحهای اسلیمی، ختائی، ترنج و سه‌ترنج، نیم‌ترنج، گره عنوان‌سازی، روی جلدسازی، کتیبه‌سازی، سرلوح‌سازی، حاشیه‌سازی و جدول‌سازی و مجلس‌سازی عیناً منتهی با رنگ سیاه ادامه می‌یابد و فقط رنگ است که کنار میرود. بگذریم از اینکه گاه خواننده‌ای بر حسب ذوق و سلیقه شخصی کتاب چاپی را رنگامیزی کرده و به آن خصوصیتی می‌بخشد.

دوران عمر کتب چاپ سنگی بچند دهه می‌رسد. در این دوره خطاطان متعددی در رابطه با چاپ سنگی ظهور می‌کنند که مهمترین ایشان میرزا رضا کلهر است که از خوشنویسان ممتاز دوره قاجاریه است. اوست که بسبب محدودیت‌ها و امکانات فن چاپ سنگی مجبور می‌شود شیوه نگارش خاصی برای تحریر این گونه



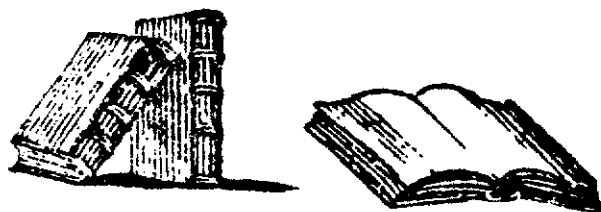
کتاب و نشریات بوجود آورد و آن عبارت از نوعی چاق‌نویسی در خوشنویسی است تا بدینوسیله هنگام فعل و انفعالات انتقال خط بر روی سنگ و از سنگ بر کاغذ ریزه کاریهای خط از بین نرود و تا این حد امکان زیباییهای خوشنویسی مورد رعایت کامل قرار گیرد.

همانطور که در بالا نیز گفته شد علاوه بر خوشنویسی که از ویژگیهای ممتاز کتابهای چاپ سنگی است تزئینات متعدد دیگر این کتابها که از پنجه‌هنرمندان متخصص و گوناگونی تراوش کرده است، سبب بوجود آمدن شیوه‌های خاص فن چاپ سنگی شده است. مانند روی جلدسازی که خود به شیوه‌های بیشماری تقسیم می‌شود.

تذهیب و تشعیرسازی توسط مذهبیین و نقاشان انجام میگرفته است. تصویرسازی برای متن‌ها توسط نقاشان و مصورین طراحی میشده است. جدول و خط کشی برای جداسازی قسمت متن و حاشیه و رنگامیزی آن و صحافی که هر دو توسط صحافان و گاه توسط خوشنویسان با سلیقه لطیف و زیبا و هنرمندانه در جاسازی شماره صفحات حاشیه‌گذاری‌ها و طلااندازیها، شمشه و کتیبه‌سازیها انجام میگرفته است و در آخر، کتاب بصورت مجموعه و گنجینه هنرمندانه‌ای درمی‌آمد و اثری بدیع خلق میگشت که این امر به کتابهای چاپ سنگی نیز به ارث میرسد و با آنکه ماشین چاپ بخاطر تکثیر سریع کتاب محدودیت‌هایی را برای این هنرمندان بوجود آورد اما هم‌چنان آثار و آفرینشهای هنری این هنرمندان را مانع نشد تا آنکه بعدها با ورود چاپ

سربی و کنار گذاشتن خوشنویسی در تحریر کتابها، کم‌کم سایر هنرها نیز متروک شد و اما شیوه صفحه‌آرایی باز تا مدتی ادامه حیات داد که آنهم جای خود را به شیوه‌های جدید و فنی امروزی در صفحه‌آرایی داد. تزئینات کتابها عموماً با طراحی گل و برگ و شاخه و گاه توام با شکل حیوانات و موضوعات دیگر انجام میگرفت. طراحی گل و بوته برای روی صفحه اول یا عنوان سرلوحی یا سرسخن و گاه در متن عموماً بشکل تشعیر و گاه بشکل تذهیب بکار میرفت و بیشتر طرح اسلیمی یا ختائی که معمول روزگار بوده است و برای تزئین کتاب مناسب‌تر داشته بکار گرفته می‌شده است. اروپائیان طرح اسلیمی را بر اساس کلمه اسلامی نام‌گذاری کرده‌اند و اغلب بجای اسلیمی که در ایران متداول شد این طرح را آرابسک که از لغت عربی آمده است می‌نامند.





قطع کتاب‌ها

۴) حمایلی — که همان اندازه جانمازی ولی با قطر بیشتر است که آنرا در زیر لباس رو و بطور حمایل آویزان می‌کردند.

۵) نیم ربعی — با اندازه تقریبی ۲۴۰×۱۶۰ میلیمتر

۶) وزیری کوچک — با اندازه تقریبی ۲۲۰×۱۶۰ میلیمتر

۷) وزیری با اندازه تقریبی ۲۴۰×۱۶۰ میلیمتر

۸) وزیری بزرگ به اندازه تقریبی ۳۰۰×۲۰۰ میلیمتر

۹) سلطانی — به اندازه تقریبی ۴۰۰×۳۰۰ میلیمتر

(کتابهایست که در دوره مغول و تیموری برای سلاطین آماده می‌شد و بهمان مناسبت

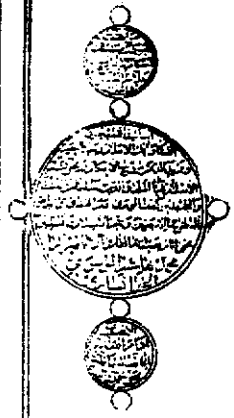
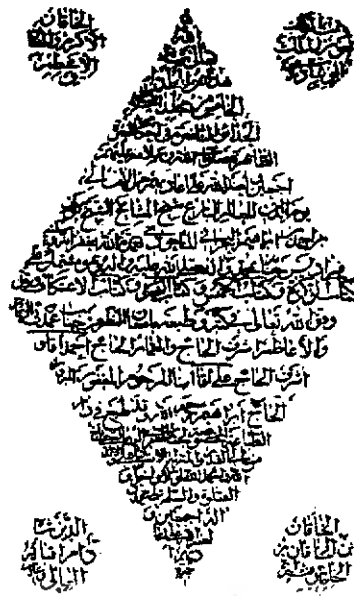
■ قطع کتب چاپ سنگی نسبتاً ادامه قطع کتابهای خطی و دستی است.

تعیین قطع کتاب که امروزه متداول است، با توصیفی که سابقاً در میان کتاب‌داران ایرانی معمول بوده، متفاوت است باین معنی که اکنون قطع کتاب را به اندازه دقیق ثابت و معین می‌کنند و پیشتر با اطلاق اصطلاحات مخصوص، اندازه کتاب را، تقریبی مشخص می‌کردند. معروف‌ترین اندازه‌ها عبارتند از:

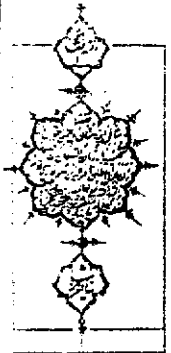
۱) بازوبندی با اندازه تقریبی از ۳۰×۲۰ میلیمتر

۲) بغلی با اندازه تقریبی از ۶۰×۴۰ میلیمتر به بالا

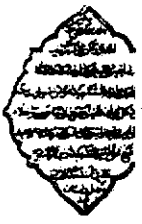
۳) جانمازی با اندازه تقریبی از ۱۲۰×۷۰ میلیمتر



صفحه اول (یا صفحه عنوان)



- پس از صفحه بدرقه ابتدای کتاب، معمولاً «سلطانی» عنوان یافته است.
- (۱۰) رحلی کوچک — باندازه تقریبی ۴۰۰ × ۲۵۰ میلیمتر
- (۱۱) رحلی — باندازه تقریبی ۵۰۰ × ۳۰۰ میلیمتر
- (۱۲) رحلی بزرگ — باندازه تقریبی ۶۰۰ × ۳۵۰ میلیمتر به بالا
- بعلاوه در هر یک از قطعهای مذکور، ممکن است که گاهی کتاب به شکل «بیاض» صحافی و تجلید شده باشد و آن صورتی است که طول و عرض کتاب برخلاف معمول است. یعنی کتاب از طول باز می شود و از عرض ته بندی شده است و عطف آن در بالای صفحه قرار میگیرد و یا کتاب بشکل «خشتی» است که طول و عرض کتاب تقریباً چهارگوش بیک اندازه است.
- در بیشتر این کتابها تزئین و نقوشی که در روی جلد مصور شده عیناً در صفحه عنوان هم منتقل شده و مشخص کننده نام کتاب — نام نویسنده — مترجم — ناشر — تاریخ — محل انتشار و نام اشخاصی که کتاب را وقف یا طبع نموده اند می باشد.
- این صفحات مزین به ترنج یا سه ترنج، نیم ترنج، لچکی، گوشواره و شمشه است و شیوه کار عموماً پیروی از مکتب اصفهان دوره صفویه و بندرت مکاتب دیگر است که عیناً از روی کتب خطی تقلید شده است که اینک به تعریف



هر یک می پردازیم،

*** ترنج:** صفحه اول بعضی از کتابهای سنگی به نقش ترنج مزین است که در میان و اطراف آن مطالبی نوشته شده است. غالباً عنوان کتاب در میان و فهرست خلاصه مطالب کتاب در حواشی ترنج است.

ترزین ترنج بیشتر از شیوه‌های تذهیب برای چاپ گرفته شده است. کتاب‌ها چون مجموعه دیوانها یا رسالات در میان آنها و نام دیوانها یا رساله‌ها نوشته شده است مانند خمسه نظامی که در میان ترنج نوشته شده است «خمسه حکیم... نظامی» و در اطراف آن در شش دایره منقش عنوان مثنویهای شش گانه خمسه توصیف شده است.

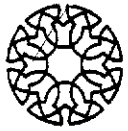
*** سر ترنج:** دو ترنج کوچک است که در بالا و پائین ترنج و متصل بآن بطور افقی رسم شده است.

*** لچکی:** که بآن گوشه یا (کنج) هم می گویند که یک ربع یک ترنج کامل است که گاهی در چهار گوشه صفحه‌ای که در میان آن ترنج و سر ترنج و نیم ترنج نقش شده است نقش می گردد و گاهی در حاشیه کتابهای منظوم و مثنوی که در حاشیه نیز کتابت شده باشد در صفحه یک یا سه لچکی مزین دارد.

*** گوشواره:** به تقلید از بعضی از روی جلد‌های دوره تیموری در صفحات عنوان از نقش گوشواره استفاده می شود که عبارت از زائده‌هایی است که آن را با نقش برگ یا گل آراسته اند و جدا از مجموعه تزئینی و در حاشیه قرار دارد.

*** شمشه:** در اواخر دوران تیموری نقش

شمسه بوجود آمد و در ابتدا برای تزئین اطراف اسم حکام و افرادی که فرمانی صادر می کردند بکار گرفته شد و چون نقش شبیه خورشید است به این نقش عنوان عربی شمشه را دادند اما این نقش بعدها بصورت نشان و گوشواره هم بکار گرفته شد. سپس در روی جلد‌ها و صفحه عناوین بشکل دیگری وارد شد که عبارتست از نقش دایره‌ای که در آن عنوان کتاب یا نویسنده یا ناشر یا دیگران نوشته میشد. بهرحال نمی توان این کاربرد اخیر را بحساب شمشه سازی گذاشت بخصوص که در دوران صفویه که شمشه سازی نسبتاً از رواج افتاد و ترنج جای آن را گرفت و کار شمشه صرفاً بهمان تزئین اسامی در فرمانها محدود شد.



کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی
کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی
کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی
کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی	کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی

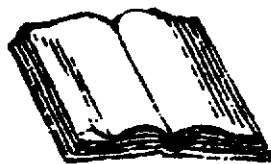
فهرست

هر خانه به ترتیب عناوین و گاه توضیحات دیگر فصول کتاب نوشته شده است. بعضی از فهرستها بدون جدول بندی و پشت سرهم نوشته شده و فقط با ریز و درشت کردن قلم کتابت فصلها مشخص شده است.

بهر حال طریقه خواندن فهرست شگرد و آشنائی خاصی می خواهد که امروزه ما با آن بیگانه ایم اما در گذشته فهرستها با آسانی کلید مطالب کتابها بودند.

■ بعضی کتابها که به فصول و ابواب تقسیم شده است، فهرست مطالبشان را در جدول بندی های مزین می نویسند.

محل فهرست، با کیفیت خاص جدول بندی های قدیمی و نوع خط (که گاهی جز خط متن کتاب است) معمولاً بعد از صفحه اول قرار دارد و گاه به آخر کتاب هم منتقل شده است این جدولها اغلب بصورت شطرنجی (چهارخانه های مربع یا مربع مستطیل) است و در



کتابخانه جامع آیت الله العظمی بروجردی



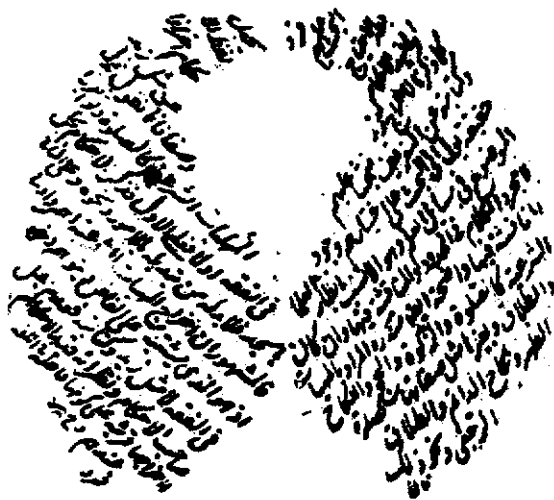
سرفصل یا سرلوح یا سرسخن

نقش آن شباهتی به تاج دارد در پائین سرلوحه عموماً کتیبه‌ای وجود دارد که در آن اغلب جمله بسم الله الرحمن الرحیم و یا خلاصه آن «بسم الله» نوشته شده است. کتیبه خود شکل مستطیل عرضی است که ترنج کشیده‌ای را در کادر مستطیل محاط کرده است و اطرافش یا ساده و یا همراه با تزئینات تذهیبی است. این مجموعه کلاً بر جدول صفحه که در آن مطالب آغاز شده است سوار است. در کنار سرلوح و جدول معمولاً نقش تشعیری حاشیه هم وجود دارد و در خیلی از کتابها هم این حاشیه خالی گذاشته شده و یا در کتابهای چاپ ایران جایی برای مهر سانسور با جمله «ملاحظه شد» اداره مطبوعات دولتی وجود داشته است. این مهر یکی از علائم تشخیص چاپ کتاب

در صفحه‌ای که مطالب کتاب آغاز میشود همیشه تزئینات بسیار جالبی وجود دارد که معمولاً بین $\frac{1}{3}$ تا $\frac{1}{4}$ صفحه را اشغال کرده است.

این تزئینات اکثراً بصورت تذهیب و گاهی با استفاده از نقشهای تشعیر ساخته میشود. نقش‌ها عموماً شامل گل و بته‌های ختائی و اسلیمی همراه با شکل‌سازیه‌ها از حیوانات بخصوص شیر و خورشید که نشان دولت ایران بود، ملائکه، تاج، گره‌سازیه‌ها و ترکیبات مجرد و یا هندسی تذهیب است. شکل و ترکیب کلی این سرلوحه‌ها نمایشی از گنبد و گلدسته است بدین معنی که نقش‌ها در دو طرف بالا رفته و در وسط بصورت مثلث یا نیم‌دایره یا گنبد گونه است. بالای سرلوحه را تارک یا تاج می‌گویند چون





صفحات داخل

در ایران بود .

در کتابهای چاپ ایران به تقلید دوران صفویه گاه صفحه سرلوح به دو صفحه کشیده میشود و مثل کتب خطی و دو صفحه اول حاشیه سازی پندهیب یا تشعیر وجود دارد اما قسمت سرلوح همیشه در صفحه اول است. نکته دیگری که باید در باره طراحی سرلوح اضافه کرد آنست که رسم نقش این صفحه گاه بصورت توخالی ترسیم شده است که این عمل تقلیدی از تحریر و قلم گیری کردن نقوش کتابهای خطی است که در آنجا پس از آنکه نقش و طرح را با رنگ اجرا می کردند برای نمایش بهتر آن، اطراف آنرا با رنگ سیاه بوسیله قلم موهای بسیار نازک تحریر یا قلم گیری می کردند. شاید در چاپ سنگی عیناً این عمل تکرار شده تا

خوانندگان گانی که علاقمند به رنگامیزی کتاب خود هستند در داخل قلم گیری ها رنگ بگذارند.

صفحات داخل

■ شکل مشخصه صفحات داخل کتابهای سنگی به تقلید از کتب خطی است که عبارتست از دو قسمت متن و حاشیه که اغلب بوسیله جدول خط کشی و مجزا شده اند.

اما خیلی از کتابها هم هستند که دارای چنین خط کشی نیستند و صرفاً با فاصله ای خالی و سفید و یا تغییر قلم کتابت متن و حاشیه از هم مجزا شده اند. در صفحاتی که تصویر هم وجود دارد باز شیوه کار مشخص و معین نیست. گاه اطراف تصویر نیز با جدول کشی معین و مشخص شده است و گاه تصویر بدون کادر در فضای خالی باقیمانده است. جدول کشی صفحات بنابر

سلیقه صحاف یا طراح صفحات یا جدول کش انجام گرفته است. معمولاً جدولها شامل دو تا چند خط است که بتناوب و تناسب نازک و ضخیم هستند و همین تفاوت ضخامت خطها نوعی آرایش و زیبایی را به صفحه داده است. جدول صفحات کتابهای خطی معمولاً برنگ طلا و یا شنگرف یا زعفرانی است اما در کتب چاپ سنگی تماماً سیاه و سفید است. در کنار این جدولها معمولاً نشانها و یا زوایدی بشکلهای هندسی رسم شده است که در آنها شماره صفحه و یا اولین کلمه حرف صفحه بندی نوشته شده است. کلمه حرف بعدی عموماً در بیرون و پایین کادر و در طرف چپ قرار دارد. جای شماره صفحات و شکل آنها بعداً توضیح داده خواهد شد.

در کتبابهای شعرا طرز صفحه بندی و خط کشی با سایر کتب تفاوت دارد. در این کتابها جدول سازی بچند صورت است:

الف: جدولهای ساده بمانند صفحات سایر کتب و در داخل آن ابیات، مصراع روبروی هم الی آخر.

ب: جدول سازی بر اساس سطرهای ابیات که هر بیت در داخل کادری محدود میشود.

ج: جدول سازی بر اساس سطرهای مصراعها که هر مصراع در داخل یک کادر مجزا قرار دارد و ابیات آخر غزلها و یا ترجیع در کادری واحد و در وسط کادرهای دیگر جا دارد.

د: اطراف جدول یا ساده است و یا با چند طرح گل و بوته تزئین مضاعف شده است.

ه: جدول سازی بصورت قطعه سازی که این

نوع جدول اغلب برای رباعیات بکار میرود. جدول قطعه ها بدین شکل است که از بالا و پائین کادر مستطیل صفحه دو مثلث طرح و جدا میشود مثلث بالا در طرف راست و مثلث پائین در طرف چپ مستطیل قرار دارد. این مثلثها اغلب با طرح گل و بوته پر شده است و گاه در مثلث بالائی نام خدا و در مثلث پائین نام خوشنویس نوشته شده است.

البته طرح قطعه سازی در مجموعه های خاص و مرقعات مشکلها و نقشها و تزئینات ویژه خود دارد. معمولاً مرقعات چاپی نیستند و تمام اصل و اورژینال می باشند لذا بحث در باره آنها در محدوده این رساله نیست.

* حاشیه ها

حاشیه ها در صفحات کتاب جای نوشتن نظریات محققین و خوانندگان است که بر متن نقد یا نظریات خود را اضافه کرده می نگارند و بدین طریق نوعی کتاب در کتباب نویسی می کنند. گاه نیز مطالب حاشیه ها دنباله مطالب متن است که پس از پایان گرفتن فضای متن مطلب به حاشیه میرود و گاه حالت زیر نویسی و پانویسی متن را پیدا می کند. شکل حاشیه ها از مشخصات زیبای کتابهای خطی و بالاخره کتب چاپ سنگی است که معمولاً با قلم دیگری نوشته میشود اما فرم این نوشته ها بستگی به ذوق و سلیقه نویسندگان دارد. اغلب برای آنکه عرض سطر آنها زیادتر شود سطور بشکل مایل از بالا پائین و یا از پائین به بالا نوشته شده. گاهی بعضی از راقمین سطور با نوشته خود شکل درخت سرو و یا گل و بوته و یا شکلهای هندسی زیبایی بوجود



می آورند و یا بصورت چلیپا نوشته و یا نوعی درهم نویسی می کنند که نهایتاً به صفحه آرایش جالب و هنرمندانه ای می دهد. در لابلای حاشیه ها و متن ها از نقوش ترنج و گوشواره یا نقش های ساده گل و بوته هم استفاده میشود بطور کلی عرض حاشیه ها نصف عرض متن است.

بدین معنی که صفحه بچهار قسمت از درازا تقسیم میشود؛ قسمت اول حاشیه دست راست و قسمت های دوم و سوم متن و قسمت چهارم حاشیه دست چپ است.

در بالا و پائین صفحه هم بهمان اندازه عرض طرفین حاشیه گذاشته میشود زیرا حاشیه نویسی گاه طولانی شده و آنجاها را هم اشغال می کند.

شکل هر صفحه شباهت زیادی به شکل و ترکیب قالی ها دارد و بمانند آنها شامل متن و حاشیه در چهار طرف است. هم چنین درها و پنجره های خانه های قدیمی و جزرهای اطراف آن را یادآوری می کند. در بین سطور حاشیه ها اغلب از نقش لچک استفاده میشود لچکها جای خالی بین ستونهای حاشیه نویسی را با زیبایی پر می کند.

* کتیبه

کتیبه ها شکل های مستطیلی هستند که معمولاً عناوین کتاب را در بر دارند. در میان کتیبه ها ترنج کشیده وجود دارد که عنوان در آن نوشته میشود. و بیرون از این ترنج با گل و بوته و یا تقسیمات هندسی تذهیب و تزئین شده است. مهمترین کتیبه کتاب، کتیبه ایست که زیر تزئینات سرفصل جا دارد که معمولاً در آن جمله بسم الله الرحمن الرحیم نوشته شده است. کتیبه

تقلیدی از نقش سر سوره های قرآن در قرون پیش است، بهمین جهت اغلب برای جدا کردن فصل های فرعی مطلب در کتابها مورد استفاده قرار می گیرد. در کتاب های شعر شکل خلاصه شده کتیبه در آخر غزلها یا برای ترجیع بندها هم آورده میشود.

* اندازه نوشته کتاب

ممکن است در هر صفحه نوشته کتاب در جدولی باشد یا نباشد. بهر دو صورت در تعیین آن باید نوشت «اندازه جدول نوشته» و آن را بمیزان میلیمتر سنجید و یا فقط طول هر سطر را به اندازه میلیمتر تعیین کرد، که در این صورت نیز این مقصود حاصل می شود.

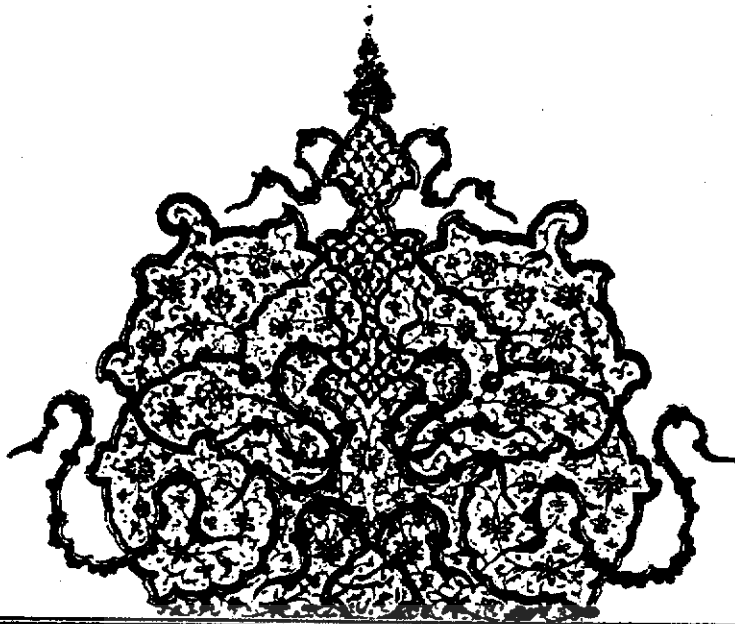
سنجش اندازه نوشته کتاب، از اندازه اصلی کتاب مهم تر است، زیرا که قطع کتاب ممکن است در نتیجه مرمت و صحافی نقصان پذیرد یا چنانکه فرسودگی حاشیه آن بسیار باشد آن را متن و حاشیه کنند و در نتیجه قطع آن اندکی از اندازه اصلی هم بزرگتر شود. سابقاً تعداد کلمات را بمیزان «بیت» مشخص می کردند و هر بیت نثر را بتفاوت از بیست و پنج تا چهل حرف، معین کرده اند.

شماره صفحه

غالب کتابهای قدیم بالفعل فاقد شماره صفحه است، زیرا که بدو نظم اوراق کتاب را با کلمه «پا صفحه ای» یا «راده» نگاه می داشتند باین معنی که اولین کلمه سطر اول صفحه دوم هر ورق و طرف راست را در گوشه چپ پائین صفحه اول کتاب می نوشتند و با مطالعه این دو کلمه در هر دو صفحه کتاب، نظم آن مشخص

مجلس العین
الشیخ محمد بن علی
دانشجو
شماره ۲
تیرماه
سوره
توکل
در این نسخه
نسخه خطی
کتابخانه
ایران

توفیق کنی
مقاله
جدید و عالی



تزئینات صفحات دیگر کتاب

دارند در کتب چاپ سنگی نیز پیاده کرده اند. همانطور که گفته شد شیوه تذهیب صفحات اول و دوم کتابهای خطی ابتدا در زمان صفویه بوجود آمد و سپس تا قاجاریه ادامه پیدا کرد. علاوه بر این دو صفحه، دو صفحه آخر نیز اغلب تذهیب می گردیدند. در بعضی از کتب زمان قاجاریه بعضی از صفحات وسط نیز بهمان باشکوهی صفحات اول تذهیب میشد. این شیوه به کتابهای چاپ سنگی نیز کشیده شد و با امکانات فنی این چاپ کتب تزئین شدند. غیر از شیوه بالا مطابق معمول صفحات داخل همیشه تکراری و ادامه صفحه دوم کتاب هستند و هر طور که صفحه دوم بعد از سرلوح آراسته میشد بقیه صفحات نیز بهمان ترتیب تزئین میشدند. این تفاوت که برای عناوین کوچک و فصل های

می گردید. گاهی هم صفحات کتاب را شماره گذاری می کردند.

شماره های صفحه معمولاً در یک شکل هندسی و در بیرون کادر متن نوشته شده است. این شکلها اغلب مثلث، لوزی، نیم دایره و تمام دایره هستند و جای آنها بیشتر در بالا و پائین صفحه کاملاً در وسط کادر و یا در کنار کادر است. اما علاوه بر این دو جا، گاهی شماره ها را در وسط طولی صفحه در حاشیه دست راست در شکل های گوشواره ای یا شمشه نیز جاسازی می کنند.

تزئینات صفحات دیگر کتاب

■ طراحی صفحات داخلی کتب چاپ سنگی نیز باز تقلید از کتب خطی است و معمولاً طراحان هر چه را در این کتب می بینند و یا دیده اند و بیاد

فرعی تزئینات مختصر و اضافی نیز قائل میشدند.

طرز لی آت نوشته ها نیز بنوعی تقلید از شیوه های قرآنی بود که طی مرور زمان و مکاتیب نیز بچشم میخورد که متأثر از شکل هنر و سلیقه زمانه است. در کتابهای مذهبی ما تقسیمات داخلی مطالب با طرز نوشتن جمله بسم الله الرحمن الرحیم و احیاناً آوردن نشانهای قرآنی مشخص میشود اما گاه صرفاً آریزو درشت کردن قلم نویسنده یا کتیبه ها یا گل و بوته ها و غیره این کار را انجام میدهد. در صفحاتی که جدول کشی شده تقسیم بندی بسادگی انجام گردیده است و گاه بشکل امروزی با نوشتن عنوان در وسط و خالی گذاشتن طرفین آن تقسیم بندی فضا و مطالب صورت می گیرد.

جاسازی تصاویر نیز شکل های خاصی را بوجود نمی آورند بلکه گاه تصاویر برسان مینیاتورهای دوره تیموری از جدول بیرون می روند و گاه در داخل کادرها محدود هستند گاه تمام صفحه به تصویر اختصاص می یابد و

گاه نوشته در زیر، بالا، پهلو و یا داخل تصویر جاسازی میشود.

شیوه تصویرسازی عموماً قاجاریه ایست که مخلوطی از مینیاتور و طبیعت سازیست. تصاویر تماماً بصورت طرح و سایه و روشن ها با هاشور زدن انجام گرفته است و هیچگاه سایه بشکل لکه سیاهی نیامده است بلکه بطور نیم سایه و بوسیله هاشور انجام گرفته است. اهمیت پرسپکتیو در این تصاویر نیز همانند اهمیت آن در نقاشی هاست. معمولاً در منظره سازیها پرسپکتیو تا حدودی رعایت گشته اما در بدن سازیها صرفاً به سایه زدنهای جزئی اکتفا شده اما همگی چون مینیاتور در سطح قرار دارند.

طرز سایه زدن معمولاً از یک طرف تابلو است و تمام شکلها نیز از همان طرف در سایه رفته اند و هاشورها با پهنی یکسانی کناره کلاه ها، عمامه ها، گردن ها، بازوها، پاها و چکمه یا کفشها، ستونها، ظروف، ساختمانها، درختها و تپه و ماهورها را مشخص کرده اند.



۲۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



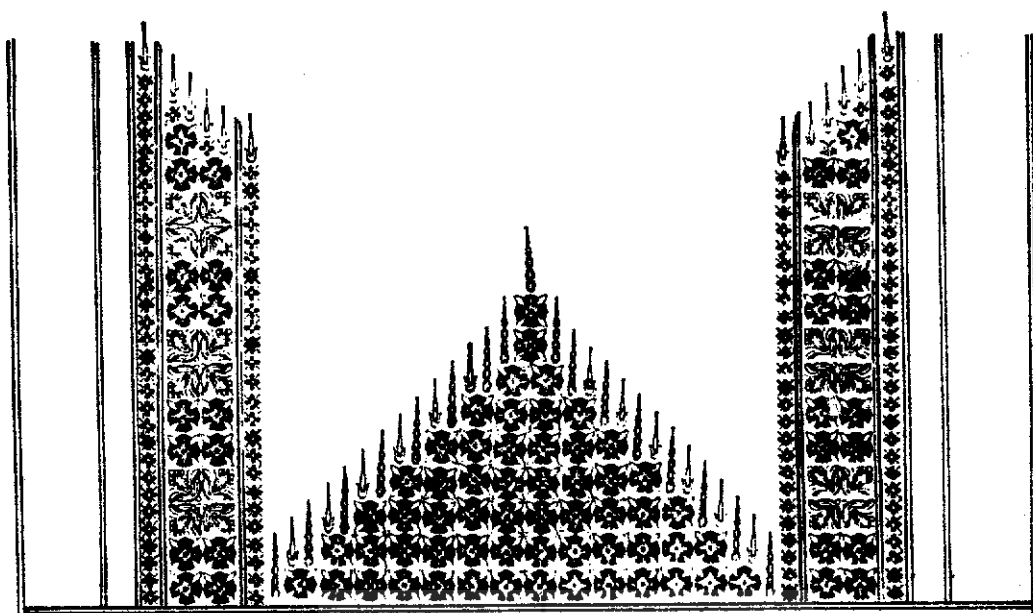
تمام شد ربا عیبات حکیم عمر خیام نیشابوری سورنجه دوشنبه
 دوازدهم شهر ذی الحجّه الحرام سنه ۱۳۲۱ هجری نوی
 کتبه نقل استادت علی محمد حسود شیرازی
 من سادات الحزمی المویج بقدره
 خود سعی در تصحیح نسخه نمودم
 از گرم مطالعه کتبه کسان
 التماس دعا دارم
 و استلام
 م

صفحه آخر

این مثلث مطالب مربوط به معرفی خوشنویس، چاپخانه، تهیه کننده یا ناشر کتاب و غیره است که با تاریخ و محل انتشار و التماس دعا از خواننده و بالاخره جمله «تمام شد» ختم میشود گوئی در آخر بتدریج که مطلب تمام میشود کلمات هم کم کم به آخر میرسند و نفس کتاب قطع میشود. بنابراین علاوه بر این شکل اختتام این صفحه حاوی شناسنامه فنی کتاب است و از اینجا میتوان پی بنام افزار فنی و هنرمند و صفحه آراء و غیره برد.

■ یکی دیگر از مشخصات کتابهای چاپ سنگی شکل صفحه آخر این کتب است که عموماً در کادر مثلثی که راس آن در پائین صفحه است جملات و کلمات پایان میرسد. این مثلثها گاه بدون خط کشی و گاه توأم با خط کشی و اغلب با تزئینات دیگر چون گل و بوته و غیره است که بستگی به ذوق و سلیقه خوشنویس، صحاف و رسام دارد و جملات بتدریج از یک خط کم شده و گاه آخر به یک کلمه میرسد که آن یک کلمه راس مثلث را تشکیل میدهد. در



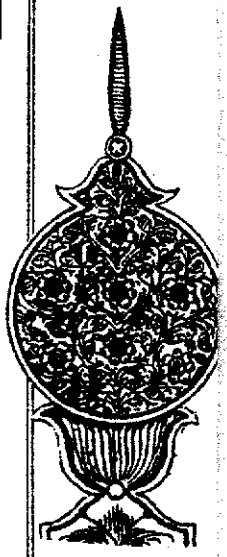


شیوه و مکتب تذهیب و آرایش کتابها

نیست که علت آنها همانا امکانات فنی چاپ سنگی و فعل و انفعالات تبدیل طرح بر روی کلیشه سنگی برای چاپ کردن است. اما با کمی دقت تاثیر مستقیم شیوه تزئین و تذهیب و ترسیم کتب خطی زمانهای گذشته را بر روی نقاشی های این کتب می توان دید و با توجه باینکه در کتب خطی شیوه مکاتب سلجوقی، تیموری، صفوی، افشار، زند وجود دارد در کتابهای چاپ سنگی نیز جابجا اثری از این ادوار میتوان ملاحظه کرد بخصوص که هرچه بدوره قاجاریه نزدیک میشویم تاثیرات مشخص تر و نمایان تر است.

تصاویر نیز عموماً ملهم از شیوه نقاشی دوره قاجاریه، زندیه و افشاریه است و خیلی کم تاثیر و ظرافت مینیاتورهای صفوی و حرکت قلم آنها و

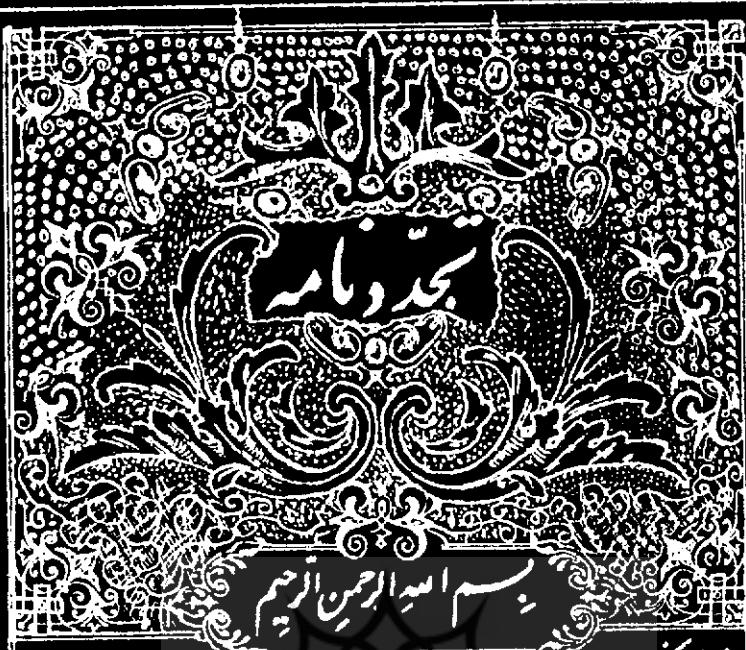
همانطور که معلوم است کتابهای چاپ سنگی در دوره قاجاریه بیچاپ رسیده است لذا شیوه های نقاشی آنها ملهم از شیوه هنری این زمان است که خود این دوره وارث دوره زندیه، افشاریه و نهایتاً صفویه است. بهمین سبب گل و بوته سازیها، تذهیب ها، شکل جدول سازیها و بالاخره خوشنویسی نستعلیق و نسخ ناشی از روش نقاشان و مصوران و خوشنویسان زمانه می باشد که آنها نیز خود متکی و یا شاگرد مکاتبی هستند که در این دوره رواج داشته و معمول بوده است و برای تجزیه و تحلیل دقیق آن باید شیوه دوره قاجاریه را بدقت سنجد و ریشه ها و تاثیرات آنرا از مکاتب قدیمی تر بررسی کرد. منتهی طرز کار در کتاب های چاپ سنگی بمانند کار اصل و روی کاغذ دقیق و ظریف



تأثیر نقاشان آن دوره بچشم می خورد. شاید تنها نقاشی که میتوان اثرات شیوه اش را ملاحظه کرد محمد زمان است که گرایش اروپائی در کارش وجود داشته است. علاوه بر شیوه ایرانی زمان قاجاریه بخصوص از زمان ناصرالدین شاه به بعد شیوه اروپائی صورت سازی و منظره سازی روز بروز در تصاویر بیشتر دیده میشود بخصوص در روزنامه های دولتی ایران، شرف و شرافت و غیره که اصولاً طرز کار غربی و اروپائی است و اغلب این شیوه بخصوص در مورد کتابهای علمی چون تاریخ طبیعی، جانورشناسی، علم الاشیاء، تاریخ و جغرافی بسیار بچشم می خورد و بعدها کتب درسی چاپ سنگی کاملاً با شیوه متأثر از غرب مصور شده است. روش نقطه چینی ها، هاشورها و غیره دقیقاً غربی است و ربطی بکارهای ایرانی ندارد و دقیقاً متأثر از شیوه گراورهای اروپائی است. شیوه اروپائی حتی در گل و بوته سازهای سرفصل ها و تذهیب های آن نیز نفوذ کرده است و تأثیر گل و بوته های «ویکتورین» بسیار دیده میشود. علت این امر با احتمال زیاد مسافرت و مراوده بیشتر با اروپا و صنایع چاپی آنجا بخصوص روسیه است که منبع اولیه ماشینهای چاپ ما بوده است. تا اینجا بطور کلی شباهتی عمومی در تمام کتابهای چاپ سنگی وجود دارد اما چند نکته باعث می گردد که بین کتابهای چاپ سنگی نشر شده در ایران (تهران، تبریز، اصفهان و غیره) با کتب چاپ هند (بمبئی - کشمیر و...) ترکستان، عثمانی (استانبول - شام...) افغانستان (کابل، بخارا، سمرقند) و مصر (قاهره)

تمایزات و اختلافات شیوه و روش بوجود آمده این اختلافات عبارتند از روی جلدها، صفحات اول، فهرست ها، سرفصل ها و تصاویر متن خوشنویسی و بالاخره رنگ و جنس کاغذ.

مهمترین این مشخصه ها همانا روی جلدها هستند. گذشته از تنوع شیوه روی جلدسازی که در این زمینه کتابهای چاپ ایران متنوعند، روی جلدهای مقوائی این تمایز را بیشتر می کند. معمولاً روی جلدهای چاپ ایران دارای طرحهای معمول ترنج سازی هستند و بانواع ساده و پرکار تقسیم میشود و کم و بیش همان طرح در صفحه اول تکرار میشود در حالیکه کتب چاپ هند و افغانستان شکل مشخصی دارد که عبارتست از تقسیم روی جلد به سه قسمت که قسمت بالا و پائین اکثراً از دو مستطیل کتیبه شکل تشکیل شده و قسمت وسط معمولاً ترنج یا شمشه بزرگی است که خود در داخل مربعی محاط است. بنابراین میتوان گفت که روی جلدهای این دیار شامل دو مستطیل و یک مربع در وسط است که مربع خود دایره ای در دل دارد. در این تقسیم بندیها و اشکال هندسی نوشته ها آمده اند که معمولاً در مستطیل بالائی اسم کتاب در دایره وسط نام و القاب نویسنده و در مستطیل پائین اسم ناشر و محل چاپ و چاپخانه است. شیوه تذهیب ملهم از شیوه هندی است و سلیقه نقاشان و مصوران و مذهبان هندی براحتی در آن ها دیده میشود که البته خود در اصل بشکلی ملهم از سلیقه ایرانیان است که بحثی مفصل و جدا دارد. طرح روی جلدهای هندی و سمرقندی معمولاً با تغییر مختصری در صفحه اول تکرار میشود و گاه عیناً



عطایش بر لطفش عمیم است
 بذاتی کش نیباشد نهایت
 بکنه ذات آورده نیت ما را
 حکیمی کش بستن خوانان دانا
 بجز ذات توانی کرده پستوار
 نه آثاری ز بالا بود دستی
 جزا دلی کس نبود او بود پندیا
 نه مائی و نه هوئی بود هو بود
 اگر خوانی ز قرآن قل هو الله

بنام آنکه در رحمن در رحیم است
 سپاس مقیاس و حد و غایت
 بدایت هم نبودت استخدارا
 توانا نیکنکه بر صاحب توانا
 بزاری آمد پیش بز نهار
 نه نام از نیستی بود و نه هستی
 ز موجودی که می بینی بویدا
 نه مائی و نه اوئی بود او بود
 بوحدانیت اویت بود راه

همان طرح در صفحه اول می آید. در سرفصل‌ها انواع تنوع تزئین بمراتب بیشتر از کتابهای ایرانی است که آنهم بدلیل تعدد چاپخانه و گرمی بازار چاپ در هند است که سلیقه‌های گوناگون و طرحهای متنوع را سبب می‌شود در حالیکه سرفصل‌های چاپ ایران بآن تعداد متنوع نیست. شاید بتوان گفت کمتر نوآوری و جرات تازه‌جوئی در آنها هست و بیشتر طراحان ایرانی کوشیده‌اند هم‌چنان پای بند سنت باقی بمانند، نکته مشخص دیگر کتابهای هند نوع کاغذهای الوان و گاهی سفید آنست که مختص آن سرزمین می‌باشد. قطع اکثر کتابهای هندی رقعی است که خود می‌تواند وجه تمایزی باشد در حالیکه در ایران تنوع قطع بسیار است. تا حدی در کتابهای چاپ ترکستان، تاثیر روسیه بچشم می‌خورد و شیوه گل و بوته‌سازی ملهم از طرحهای روسیه مرکزی و دوران کاترین و پطرس است که با ذوق و سلیقه شرقی مخلوط شده است و تکنیک‌های پیشرفته چاپ به آنها ظرافت بیشتری داده است.

در عثمانی و مصر بدلیل وجود چاپخانه‌های حروف سربی تجهیزات بیشتری وجود دارد. کتابهای چاپ سنگی آنجا معدود است و بیشتر

بوسیله چاپ سربی کار انجام گرفته است منتهی کتابهای چاپ سنگی بزبان فارسی نیز در آنجا دیده میشود که تزئینات آن بیشتر ملهم از پیشرفتگی صنعت چاپ است و ذوق و سلیقه نسبتاً فرنگی. چند نمونه کتاب چاپ استانبول با روی جلد‌های شبیه ترکیبای چاپ‌های هندی است و اغلب علامت ماه و ستاره که نشانه دولت عثمانی بوده است در روی جلد‌ها دیده میشود. هم‌چنین سرفصل‌سازی‌های آنها نیز شامل همین کیفیات میشود.

بهرحال این تفاوتها و تنوعات شامل ریزه‌کاریهای فنی است که شاید فعلاً زیاد مدنظر نیاید ولی در زمان خود کاملاً مشهود و مشهور بوده است و خوانندگان براحتی و آسانی به آن توجه می‌کردند و شاید تنها عامل بسیار مشخص تمایز بین کتابهای چاپ ایران و سایر دیار، علامت و مهر سانسور اداره نشر و طبع دولت ایران است که شکل چهارگوشی داشت و روی آن نوشته شده بود «ملاحظه شد» و این مهر همیشه در صفحه سرفصل هم جوار کتیبه سرفصل حاشیه را مههور می‌کرد و مصوران گاه حتی برای این مهر در طرح خود جاسازی‌هایی هم کرده‌اند.